

اعتراف به شکنجه گری، نعل وارونه امپریالیسم

در روز سه شنبه 9 دسامبر 2014 سنای آمریکا گزارش پژوهش خویش را در مورد شکنجه سازمان "سیا" نسبت به کسانی که متهم به اقدامات تروریستی بودند بر ملا کرد و کوشید با نعل وارونه زدن، بر چهره بی آبروی امپریالیسم آمریکا آب تظهير بریزد. اعتراف منتقدانه به تروریسم دولتی آمریکا بر ضد کسانی که به نادرستی و یا به درستی، آنها را تروریست نامیده است سالها بعد از تجاوز به عراق و افغانستان و آدمربائی آنها که دیگر قابل کتمان نبود روش جدیدی است برای تبریئه مجدد امپریالیسم آمریکا در افکار عمومی مردم جهان. این اعترافات منتقدانه ادامه همان سیاستهای توسل به ابزار خشونت و زجر، برای مُقَر آوردن قربانیان است. سنای آمریکا تنها به چیزی اعتراف کرده که نه توسط خود رژیم و دولت آمریکا، بلکه توسط انسانهای قهرمانی برملا شده، که تا لحظه آخر امپریالیسم آمریکا می خواست با سرکوبشان از افشاء این حقایق جلوگیری کند و این افراد را به زندانهای طولانی بنام خائن محکوم کرده است. این گزارش به ظاهر تکان دهنده، تنها بخش ناچیزی از مجموعه جنایات آمریکاست تا اصل مسئله را لاپوشانی کند و برای آبروی از دست رفته به یاری اندیشمندان و روان شناسان خود مرهم دل پیدا کند. این اعترافات یک ضد حمله تبلیغاتی و برای رد گم کردن است و نه چیز دیگر.

آمریکا با این کارش می خواهد در افکار عمومی مردم جهان که همه به این جنایتی که تا کنون مخفی می شد پی برده اند، چنین جلوه دهد که گویا این اتفاقات کار یک عده افراد "خاطی" بوده که "ارزشهای آمریکائی" را بدون اطلاع بالائی ها، سرخود زیر پا گذارده اند. در ایران نیز این عده را "عوامل خودسر وزارت اطلاعات" می نامیدند که با "خودسری" به قتلهای زنجیره ای دست زده و ظاهرا گویا بدون اینکه روح نظام و اسلام از آن با خبر باشند ارزشهای اسلامی را خدشه دار کرده اند. در آمریکا این امدادهای غیبی با شکنجه افراد بیگناه، آدمربائی و زجر و عذاب آنها در آلمان، لهستان، رومانی، لیتوانی، مصر و سوریه و... مشغول بوده و این عملیات متهورانه و "انسانی" را سالیان سال ادامه داده اند و هیچکس از آن با خبر نبوده است. ولی واقعیت برخلاف دروغهائی است که در گزارش به سنای آمریکا برای تبریئه آمریکا ارائه می شود. اکنون دیگر تاریخ مصرف این شکنجه ها تمام شده است و اعتراف مزورانه به "نادرستی" آن می تواند شکنجه گران را تبریئه کند و بازار شکنجه های بعدی را گرم نگهدارد و سیمای شکنجه گر امپریالیسم را آرایش کند.

چگونه امکان دارد انسانهای بی گناه را در اقصی نقاط جهان ربود، در آلمان در پایگاههای هوائی آمریکا(رام اشتاین) آنها را با دستها و چشمان بسته با لگد و مشت به لهستان، کشورهای بالتیک، رومانی، و... فرستاد و کسی از آن خبر نداشته باشد. این امر نشان می دهد که مجموعه ای از دولتها برای نقض سیستماتیک حقوق بشر و آدمکشی با یکدیگر همکاری می کرده اند. هواپیماهای آدمربائی با اجازه این دولتها در فرودگاههای آنها فرود می آمده و قربانیان بلاواسطه به شکنجه گاه ها گسیل می شدند و زیر نظر بازجویان آمریکائی آخرین نوع عملیات زجر آور که مورد تائید پزشکان آمریکائی قرار گرفته است در مورد آنها برای گرفتن اعتراف بکار گرفته می شد. روش امپریالیسم آمریکا همان روش کلیسای قرون وسطی است که با شکنجه محکومان و سوزاندن آنها در آتش و اتهام جادوگری و ساحری به آنها بستن، تا نه آن حد آنها را شکنجه می کردند تا به اعترافات ساختگی برای تسریع در مرگشان دست بزنند. این روش کلیسای قرون وسطی را که ارزشهای اروپائی بود، انقلاب فرانسه بدور افکند و دست کلیسا را از زندگی مردم کوتاه کرد، ولی صدها سال بعد از آن امپریالیسم همان روشهای قرون وسطائی را که از ارزشهای دنیای امپریالیستی است، برای نقض حقوق انسانها به کار گرفته اند و همه دست اندر کاران سیاست آمریکا از آن با خبر بوده و آنرا تا زمان لازم تائید کامل کرده اند. وزیر دادگستری، رئیس سازمان سیا، مشاور امنیتی و حقوقی جرج بوش، وزیر امور خارجه، شخص جرج بوش پسر و حتی عالیترین مقامات قضائی آمریکا بر آن صحنه گذارده بودند. اگر این نظام نیست پس دیگر چیست؟ مگر ترومن، آیزنهاور، کندی، جانسون، نیکسون، فورد، کارتر، ریگان، جرج بوش پدر، کلینتون و اوباما غیر از این کرده اند؟

تاریخ سیاست امپریالیسم آمریکا تاریخ شکنجه، جنگ، کودتا، آدمکشی و جنایت است. آمریکائی ها دانشگاه شکنجه دارند و ماموران امنیتی ممالک دوست را در این دانشگاهها به روشهای بازجویی آمریکائی و آخرین تحولات و اکتشافات علمی در این عرصه آشنا می سازند. سربازان آمریکائی را که برای تجاوز به آمریکای مرکزی و جنوبی می فرستادند، با خود جزواتی همراه داشتند که در آنها با تصاویر و توضیحات کافی و علمی، انواع و اقسام روشهای

اعترافگیری از اسراء را به آنها آموزش می دادند. این عمل و دستورالعمل کار چندتا سرباز مزدور و متجاوز نبود. دستگاهی دولتی و سازمان یافته در پشت سر آنها بود که تا جزئیات را تعیین کرده بود. بطوریکه وقتی اسرار آن بر ملا شد و این کتب بدست نیروهای مخالف افتاد و منتشر گشت آمریکائی ها نه راه پس داشتند و نه راه پیش. راه دور نرویم اخیرا کتابی به نام "دکترین شوک" به نگارش یک پژوهشگر کانادائی بنام "نائومی کلاین" منتشر شده است که تاریخچه جنایات آمریکا و روشهای "علمی" آنها برای شستشوی مغزی اسراء را در آن نشان می دهد. کتابی در آلمان نیز بنام "آرتیشکون" در این زمینه منتشر شده است که نشان می دهد شکنجه و کشتار و اعترافگیری و شستشوی مغزی توسط امپریالیسم آمریکا یک امر نهادینه شده و از ماهیت آن بر می خیزد و سابقه طولانی از زمان جنگ جهانی دارد. کسی نیست که خاطره جنایات آمریکا در ویتنام و شکنجه هائی را که آنها به سربازان ویتنامی و مردم آن کشور می دادند فراموش کرده باشد. هنوز هم تصاویر فجایع آمریکا در ویتنام، کامبوج، لائوس، کره شمالی، عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و... تکان دهنده است.

به داستان شکنجه در برزیل گوش دهید. از زمانی که خانم دیلما روسف در برزیل به مقام ریاست جمهوری رسیده است، دیگر نمی شد شکنجه های وحشیانه کودتاگران برزیلی را که با همکاری سازمان "سیا" صورت می گرفت، انکار کرد. خانم دیلما یوسف را نیز به عنوان تروریست در زندانهای کودتاگران شکنجه دادند و فکر نمی کردند که قربانی آنها روزی به مقام فعلی ریاست جمهوری برزیل برسد. وی خودش شکنجه خفگی مصنوعی با استفاده از آب را برای نخستین بار در سالهای 1964 تا 1985 در زندانهای برزیل شاهد بود. همان دوران هم این روش، روش آمریکائی محسوب می شد. در پژوهشهایی که با فشار افکار عمومی علیرغم دادن امان نامه به جنایتکاران کودتاگر منتشر شده است، یکی نیز مصاحبه با کروئل پالو مالائس Coronel Paulo Malhaes افسر شکنجه گر برزیلی و اعترافات وی است. وی اعتراف کرد که شکنجه بطور سازمان یافته در برزیل به کار گرفته می شد. وی اعتراف کرد که برای آموزش شکنجه به بریتانیای کبیر اعزام شده تا از تجارب آنها در شکنجه مبارزان ایرلندی استفاده کند. اسم شکنجه آنها "تاب طوطی" بود. دوستان دیگر وی را نیز برای آموزش شکنجه، به مدرسه آمریکائی موجود در منطقه ترعه پاناما اعزام داشتند تا به آنها آموزشهای لازم را بدهند. سازمانهای امنیتی جهان و برزیل در ماه آوریل 2014 وی را به خاطر افساء این اسرار ترور کردند و تا اسرار بیشتری را برملا نکنند(رجوع کنید به مقاله نشریه آلمانی زوددویچه تسایتونگ مورخ 2014/12/12 "شوک بعد از سی سال" به مناسبت انتخاب مجدد خانم دیلما روسف به مقام ریاست جمهوری برزیل). این ها وقایع غیر قابل انکار هستند.

آیا می شود مدعی شد که همه روسای جمهوری آمریکا در گذشته نسبت به این همه جنایت بی خبر بوده اند؟ از جمله از پرتاب گازهای سمی که خودشان در اختیار صدام حسین گذارده بودند تا بر سر سربازان ایرانی و کردهای عراق بیاندازد، بی خبر بودند؟ می توان مدعی شد که نظام امپریالیستی بر شالوده ای بجز شکنجه و جنایات استوار بوده و خواهد بود؟

روشن است که چنین امری ممکن نیست. شکنجه بخشی از سیاست خارجی و داخلی امپریالیست آمریکا برای سرکوب مخالفان است و این سیاست در آینده نیز ادامه خواهد داشت. اینکه امروز امپریالیست آمریکا این نیاز را دریافته که به انتقاد از خود دروغین دست یازد بیشتر نتیجه فشار مردم جهان و بی اعتبار شدن "ارزشهای آمریکائی-اروپائی" ادعائی آنها است که حنایشان دیگر رنگی ندارد و موجبات تمسخر شنونده می شود. امپریالیسم آمریکا برخلاف تبلیغات اخیر پشیمان و سرافکنده نیست و خودش این جنایات را در اثر پژوهش مستقل خود، کشف نکرده است، بلکه بر آن تا حد ممکن سرپوش گذارده است. افراد فداکاری این جنایات را برملا کرده اند چه در گذشته و چه در حال نظیر ادوارد اسنودن و... امپریالیسم آمریکا به چیزی که دیگر قابل کتمان نیست اعتراف می کند و تلاش بیهوده دارد که به افکار عمومی چنین القاء کند که این اقدامات نه یک امر ماهوی ناشی از ماهیت وی، بلکه یک مسئله گذرا بوده که محصول خطای فردی است و آمریکا "مسئولانه" به آن برخورد کرده، آنرا محکوم نموده و دامن آلوده خویش را با این اعترافات کاذب پاک کرده است. و در این صحنه سازی نعل وارونه زدن، می تواند مدعی شود که اعتراف به شکنجه کردن حتی خودش یک حسن است که از ماهیت "دموکراتیک" امپریالیسم ناشی می شود وگرنه بسیاری کشورها وجود دارند که در زندانهایشان شکنجه می دهند، ولی همین اعترافات "صمیمانه" را نیز نمی کنند. این اعترافات نشانه "صمیمیت" آمریکاست. آنها به مردم جهان وعده می دهند که دیگر شکنجه نخواهند کرد، آدم نخواهند کشت و گربه عابد و زاهد خواهد گردید. همین عوامفریبان ولی حاضر نیستند قانونهائی را که در این عرصه به تصویب رسانده اند رسماً منسوخ اعلام کنند. قانونها هنوز به قوت خویش باقی هستند، افراد "خاطی" مورد پیگرد قرار نمی گیرند، بلکه کل نظام از آنها حمایت می کند، ولی همه چیز مسکوت گذارده می شوند تا بعدها در صورت نیاز مجدداً از کشوی

میزها بیرون بیایند. آمریکا حتی کتمان می کند که با فشار این نظام بسیاری از ممالک دیگر مجبور به شکنجه شده اند و در این شکنجه گاهها ماموران آمریکائی برای اینکه دستشان "کثیف" نشود به عنوان ناظر و مشاور حضور داشته اند. آمریکا اعتراف نمی کند در تمام ممالکی که حقوق بشر به زیر پا گذارده می شود و شکنجه اعمال می شود، همه دوستان آمریکا هستند و حتی آمریکا محکومیت آنها را در کمیسیونهای حقوق بشر و شورای امنیت و تو می کند. اعترافات غیر قابل پرده پوشی و غیر قابل انکار کنونی امپریالیسم آمریکا، پرده ساتری بر ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم است.

حزب کار ایران (توفان)

جمعه ۲۸ آذر ۱۳۹۳

www.toufan.org